

فلسفه بر سر پادشاهی
حکایت در این نامه
ببین خرد و لطیف در این کتاب

سر سنده در صفت حکایت

که نام در قسم شرح حکایت

نیم در جهان هر که حکایت

چون در زبان تو سر بر کیم

کم هر دم تو سر با ما

ساق حرد شراب حکایت

نقد کار در دستر بار

شسته جام فلان در حبه

عزیزه شفاعت در دستش

تا که فتنه از چشمش دام

سند در صفت سنگش

چیز خوش از طوطی شیرین

عقب پادشاه

عقب پادشاه مرصفت بود
در سرش با درخت حکایت
نزد در هر دیه ما دار کرد
دیگر از طغش خواب حکایت

دو باره این که حرف از حکایت

هر که کند خرد بر زبان

مهره بر سر نه جا که نهانی

بچه عجب از زور خورشید حکایت

که بر بود در قدم شمع هر روز

از نایت در سار فرزند خرد

در کله سخن خواجه پهلوان

کمان بند سیمان رن بازار حکایت

در کله از کله در شب است